

سلطانم

شاید در نظر برخی از پژوهندگان کلمه سلطانم غیر مانوس باشد لذا توضیح میدهم که ترک زبانها همسر خان را خانم و معقوده بیگم را بیگم گویند با این وصف حلیه جلایه سلطان را هم سلطانم میگفته‌اند. و در واقع کلمه سلطانم بجای ملکه و شهبانو استعمال میشده است و باید توجه داشت که سلطانم عنوانی برای منکوحه سلطان است و سه نفر در عهد صفویه با این عنوان ذکر شده و معروفیت داشته‌اند ولیکن در کتب تاریخ نام اصلی آنها بتصریح دیده نشده است.

سلطانم در زمان سلاطین صفویه یکی عنوان مادر شاه طهماسب اول و زن شاه اسماعیل مؤسس سلسله صفویه است که دختر امیر خان موصواست و دیگری سلطانم منکوحه شاه طهماسب اول و مادر شاه محمد صفوی پدر شاه عباس کبیر و مادر شاه اسماعیل دوم است و سلطانم سوم باینکه ملکه نبوده اورا سلطانم نامیده‌اند و وی خواهر شاه طهماسب اول و دختر سلطانم اول است این بانو برای مرقد ائمه اطهار عیبه السلام اوقافی وقف کرده بوده که توضیح آن قریباً بیاید منظور ما در این شرح سلطانم دوم است.

اولین موقعی که با کلمه سلطانم برخورد کردم خان سلطانم بود که یکی از مستغلات وقفی آستان قدس رضوی است و در طومار عایشاه برادرزاده سلطان دلیر ایران نادر شاه افشار مورخ رمضان ۱۱۶۰ قمری ذکر شده است و درآمد سالیانه سران مذکور در آن سال سی و پنج تومان قلمداد گردیده است و این خان یا سرا

تاکنون بوقفیت باقی است و اینجا را رفته رفته سرای سلطانی نامیده اند و سرای مذکور در حاشیه بازار بزرگ مشهد وقوع دارد و با تغییراتی که در وضع مشهد در چهل سال قبل رخ داده ضلع شمالی این سرا بخایبان فلکه جنوبی مشهد محدود شده و ضلع غربی آن کوچه پای زنجیر مشهد است و قریب چهار هزار متر مساحت و سه طبقه ساختمان داشته است. طبقه زیر برای انبار در چهار طرف و طبقه دوم و سوم محل کسب تجار مشهد بوده و میباشد و از طبقه سوم فقط در ضلع شرقی آثاری باقی است و سه طرف دیگر فاقد طبقه سوم میباشد و این سرا از عهد صفویه تاکنون صیانت شده و از آثار باستانی مشهد است و بادیدن نام سلطانم در فهرست مستغلات آستان قدس به موارد دیگر مراجعه کردم تا شاید اطلاعات بیشتری در مورد این نام بدست آورم و شکر خدا را که در چند جا باسم سلطانم دسترسی پیدا کردم و اکنون مواردی را که نام سلطانم در آنجا دیده شده باختصار ذکر میکنیم .



عکس ضلع شمالی سرای سلطانم که طبقه فوقانی نوساز است

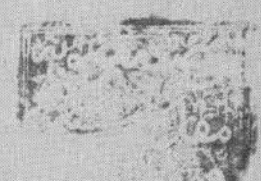
الواقف

۱۲۷۴ هـ
حکم و کلام

۱۹۵۴

مقتضی این کار بر اعتبار علیه در وضع مقدمه ضمیمه ضمیمه
 مزایب علم حضرت بقین مکان خلیجته الزمان ما اوس العالمت الصفویه
 که طلب مطالعه نمایند بشرط آنکه پیش از یک هفته در خانه خود کار نمایند
 دفتر شد و بخزند بیست تا صد کرامت یا فعلی غیر الله که در
 شرح سیاه نوشته و در سال ۱۲۷۴

شیخ ابو محمد ضوی



Handwritten signature or name in the right margin.

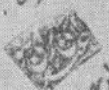
۱۲۸۲
در شهر...

در حج سید عز الله بن سید...

۱۱۵۴
عمر...

۱۱۹۹
از حج...

۱۱۹۶
در...



۱۲۰۲
در...



۱- ضمن ثبت کتب خطی کتابخانه آستان قدس که نام واقفین ذکر شده کتب آتی‌الذکر بنام سلطانم الصفویه ذکر شده و عبارت و قفنامه پشت کتابها متحدالمضمون و چنین است .

(هو الواقف وقف فرمود این کتابرا برعتبه علیه و روضه مقدسه رضیه علی ساکنها السلام والتحیه نواب علیاحضرت باقیس مکانی خدیجه الزمانی ناموس العالمین سلطانم الصفویه که طلبه مطالعه نمایند بشرط آنکه بیشتر از یک هفته در خانه خود نگاه ندارند و نفر و نشند و نخرند و هبه نمایند و هر کس این نماید فعليه لعنت الله والملائکه والناس اجمعین) .

ومع الأسف هیچیک از عبارات پشت کتابهای وقفی سلطانم تاریخ ندارد و فاقد مهر واقفه نیز میباشد و در هر حال کتابهای ذیل در ید امناء آستان قدس از تغییر و تبدیل مصون مانده و اکنون موجود است و اسامی کتب وقفی سلطانم این است :

الف - شماره ۱۹۴ شرح عربی بر اصول دین شیخ الطائفه ابو جعفر محمد الطوسی (شیخ طوسی علیه الرحمه) شارح سید عزیز الله الحسینی است شامل سی و یک صفحه ۹ سطر خط نسخ عبدالقادر تونی سال تحریر ۹۶۷ قمری قطع کتاب ۱۳ × ۱۸ سانتیمتر است .

ب - شماره ۱۲۰۹ آیات احکام کلام الله مجید خط نسخ محمد بن محمد الشهیر بفاضل بن الحسینی سال تحریر ۹۶۲ قمری شامل ۶۱ برگ ۱۱ سطر اندازه ۱۳ × ۲۰ سانتیمتر است .

ج - شماره ۱۲۶۱ تفسیر تهلیایه فارسی خط نستعلیق محمد المشتهر به آیتی شامل ۲۶ برگ ۷ سطر سال تحریر ۹۶۳ قمری و این کتاب را سید عزیز الله الحسینی بنام سلطانم تألیف کرده است و اندازه ۱۲ × ۱۹/۵ سانتیمتر میباشد .

د - شماره ۱۶۶۵ چهل کلمه قصار با ترجمه شعر فارسی دارای ۸ برگ ۷ سطر خط نسخ و ترجمه نستعلیق و آخر کتاب ناقص است اندازه ۱۳ × ۱۸

سانتیمتر است .

ه - شماره ۱۷۷۵ فتح الأبواب من ذوی الأحباب و رب الارباب فی الإستخاره تألیف سیدرضی علیه الرحمه خط نسخ ۱۵ سطری مجدول به طلا و سال تحریر ۹۴۵ قمری و نام کاتب را ندارد اندازه ۱۷ × ۲۲ سانتیمتر است .

و - شماره ۱۸۸۷ کتاب آداب سفر فارسی تألیف سیدحسن موسوی معروف به عسکری خط نسخ و نستعلیق ۱۱ سطری شامل ۶۳ برگ سال تحریر و نام کاتب را ندارد اندازه ۱۳ × ۱۹ سانتیمتر است .

ز - شماره ۲۴۳۲ رساله فخریه تألیف علامه حلی علیه الرحمه مجدول بطلا خط نسخ مترجم بقرمزی نام کاتب را ندارد شامل ۴۸ برگ و اندازه ۱۴ × ۲۱ سانتیمتر است .

ح - شماره ۳۱۴۴ خلاصه ادعیه عمل السنه عربی تألیف محمد القاضی ابن فخرالدین خط نسخ ۱۳ سطری شامل ۳۶ برگ نام کاتب و سال تحریر را ندارد اندازه ۱۴ × ۲۱ سانتیمتر است .

ط - شماره ۳۱۴۸ دعای منسوب بحضرت سجاد علیه السلام نقل از ادب الدنيا والدین مجدول بطلا خط نسخ ۷ سطری نام کاتب و سال تحریر ندارد اندازه ۱۲ × ۱۸ سانتیمتر است .

ی - شماره ۲۰۶۶ صحیفه الرضا علیه السلام عربی تألیف عبدالعلی بن عبدالحمید ابن محمد السبزواری بروایت از جلال الدین بن عبدالله القاینی و او از دیگران شامل ۶۲ برگ خط نسخ ۹ سطری مجدول بطلا و نام کاتب و سال تحریر ندارد اندازه ۸ × ۱۲ سانتیمتر است .

یا - شماره ۳۵۹۱ انساب فارسی تألیف محمد بن لطف الله بن تاج الدین رضوی مجدول بطلا دارای سراسر کوچک و شامل ۱۸ برگ ۱۷ سطری اندازه ۱۷ × ۲۵ سانتیمتر است .

یج - شماره ۳۲۴۰ عشره کامله فارسی مؤلف ابوالحسن الموسوی المشهدی خط نسخ ۹ سطری اندازه ۱۳ × ۱۹ سانتیمتر و سال تحریر و نام کاتب را

ندارد .

سیزده جلد کتاب وقفی سلطانم الصفویه بر کتابخانه آستانقدس برای طلاب مشهد میباشد و در تاریخ عالم آراء عباسی در چند جا نام سلطانم بمناسبتی برده شده که موارد مذکور را مینویسم .

در صفحه ۱۲۵ عالم آراء چاپ اصفهان مینویسد (ولادت آنحضرت (سلطان محمد بن شاه طهماسب) در شهر سنه ثمان و ثلاثین و تسع مائه ۹۳۸ که هشت سال از جلوس شاه جنت مکان (شاه طهماسب اول) گذشته بود از بطن سلطانم صبیئه موسی سلطان موصوای ترکمان از امراء بزرگ باین دریه اتفاق افتاد و (فرزند شاه طهماسب اول محمد آمد) تاریخ این مولود گرامی است که باین اسم موسوم و ملقب به خدا بنده شده و زمان ارتحال والد غفران مآب ۴۶ ساله بود) .

پس سلطانم مادر سلطان محمد صفوی و جده شاه عباس کبیر است و باز در صفحه ۱۳۲ عالم آراء میخوانیم (فرزند دوم آنحضرت (شاه طهماسب) اسماعیل میرزا است (شاه اسماعیل دوم) اونیز از ستر عظمی سلطانم صبیئه موسی سلطان موصو متولد گشته برادر اعیانی نواب سلطان محمد میرزا است و در خدمت والد نامدار نشو و نما یافته است همواره منظور نظر شفقت و تربیت برده و انوار عاطفت شاهانه بروجنات احوالش میتافت و در سنه اثنی و ستین و تسع مائه ۹۶۲ که صبیئه مرتضی ممالک اسلام شاه نعمت الله یزدی که از مر حومه خانش بیگم همشیره حضرت جنت مکان (شاه طهماسب) بوجود آمده بود بحباله نکاح درمی آورد در باغ داگشای شمال آباد تبریز جشنی عظیم چنان آراسته کردند که هنوز آن جشن و سور در میانه قزلباش زبانزد خواص و عام است) بنا بر عبارت فوق سلطانم منکوحه شاه طهماسب اول مادر شاه اسماعیل ثانی نیز میباشد و این بانوی معظمه مادر دوفتر از پادشاهان صفوی است .

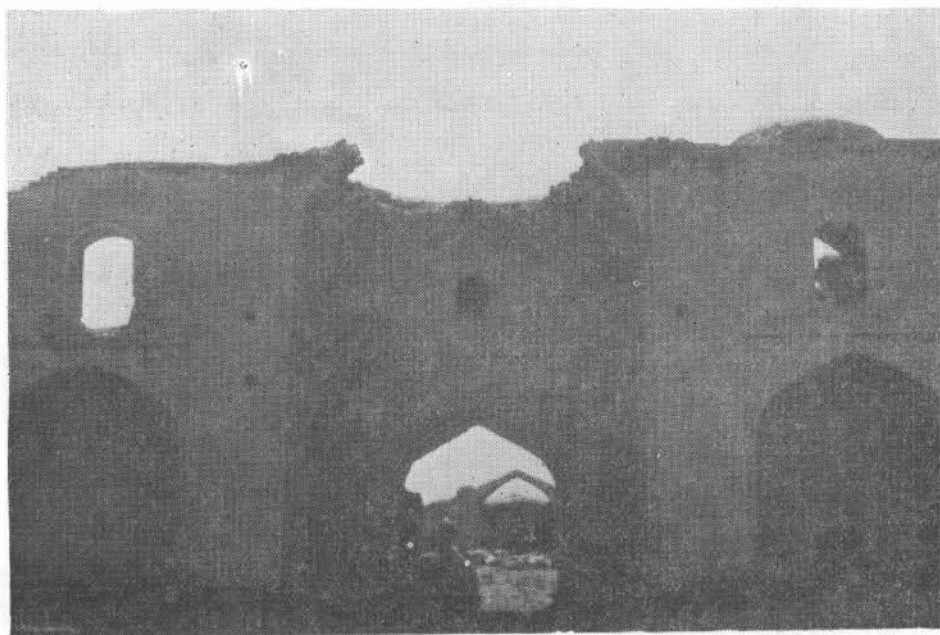
در وقایع یکپزار و دوقمری عالم آراء در گذشت سلطانم را چنین مینگارد :

در این سال خدر معالی همشیره (دختر) موسی سلطان موصو که حرم محترم

شاه جنت‌مکان (شاه طهماسب) والدۀ معظمۀ نواب اسکندرشان (سلطانم‌محمد صفوی) و اسماعیل‌میرزا (شاه اسماعیل ثانی) بوده و حضرت اعلی‌ظل‌الاهی (شاه عباس کبیر) با آن جدۀ گرامی بسیار بادب ساوک میفرمودند در دولتخانه قزوین مریض گشته بعالم بقا پیوست سن شریفش از هفتاد سال تجاوز نموده بود در مراحل هشتاد سال بود که سفر عقبی اختیار نمود عورت خیرۀ عابدۀ زاهدۀ عاقله بود و در اواخر زمان شاه جنت‌مکان (شاه طهماسب) توفیق حج یافت از آثارش رباط خشک‌رود حوالی قزوین است که در زمان فرزند ارجمندش سلطان محمد پادشاه بنا نموده بود باتمام آن موفق گردید).

با عنایت بعبارت عالم آراء سلطانم بسفر قبله مشرف شده و حاجیه سلطانم گردیده است و وی دختر یا خواهر (بتعبیر عالم آراء) موسی سلطان موصو از ترکمانان بایندریه موصل و دیار بکر بوده است. این بانوی نیکو کار سالها ملکه ایران بوده و علاوه بر رباط خشک‌رود که در کنار راه ساوه به قزوین ساخته است بنای دیگری در مشهد دارد بنام خان یا سرای سلطانم و چون بعضی از وقفنامه‌های آستانقدس رضوی در غارت ازبکها با جواهرات و کتب دربار ولایتمدار رضوی ازین رفته تاریخ بنا و وقفنامه خان سلطانم در دست نیست و آنچه بنظر میرسد این سرا در نیمۀ دوم قرن دهم هجری بنا گردیده و زیاده بر چهارصد سال عمر دارد که از موقع بنا تا بحال جزو مستغلات وقفی آستانقدس رضوی و ثبت دفاتر قدیمه آنجا است و اسکندربیک ترکمان صاحب عالم آراء از وجود و کیفیت خان سلطانم بی اطلاع بوده و همچنین از کتب وقفی سلطانم نیز خبری نداشته است در مورد خشک‌رود جغرافیای ارتش چنین می‌نویسد (خشک‌رود قصبه جزء دهستان حومه بخش زرند شهرستان ساوه ۳۲ کیلومتر شمال باختر زرند کنار راه شوسۀ زرند بخرقان، متصل، سکنه ۱۷۹۴، شیعه، ترکی، فارسی، زهاب رودخانه خشک‌رود، انگور، بادام، میوه‌جات، سردسیری، شغل زراعت و گلهداری، گلیم، جاجیم بافی، راه نیمه شوسه از کنار آن میگذرد) و عکس رباط خشک‌رود را جناب آقای دکتر منوچهر ستوده استاد عالم‌مقام دانشگاه طهران که

محل را دیده و عکس برداری فرموده با عنایت تام برای این ناچیز ارسال فرموده‌اند و توضیحاتی در مورد رباط و فاصله آن با قزوین و ساوه مرقوم داشته‌اند که بواسطه طولانی شدن این مقاله از ذکر آن صرف نظر شد و از این تفقد عالی بی اندازه سپاس گذار و از این لطف مخصوص شرمسارم.

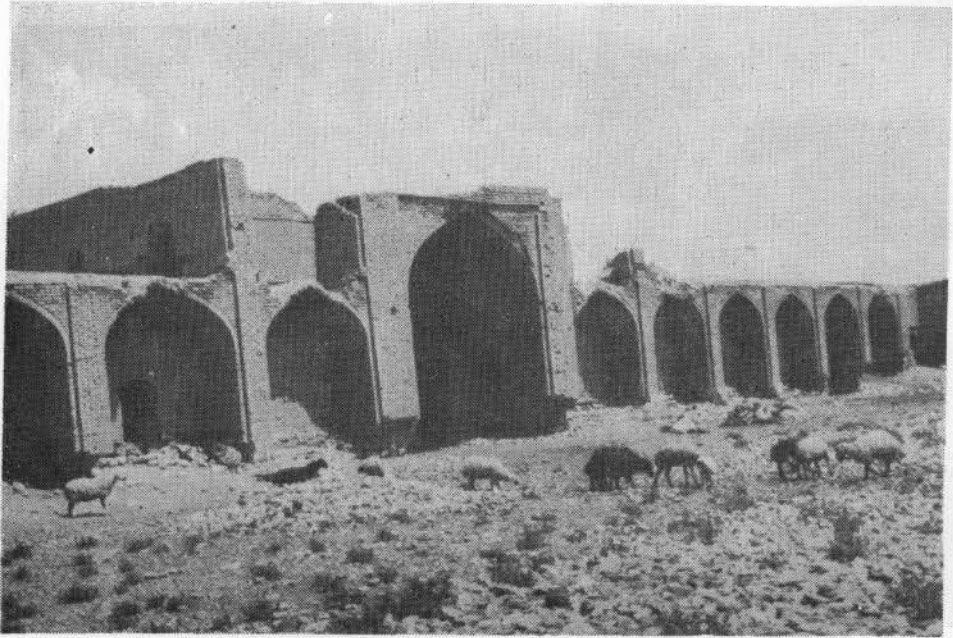


در ورودی به رباط خشک رود

نکته‌ای که به مورد است ذکر شود قرابت و اتصال ترکمانان موصولو با سلاطین صفوی است و صفویه از موصولو دختر گرفته و دختر بزنی به آنها داده‌اند و شاهد بر این مطلب عبارت صفحه ۵۰ عالم آرا است:

(چنانکه عادت قدیمه روزگار فدا راست هادم اللذات بر ملک حیات آن خسرو عهد و کیقباد زمان (شاه اسماعیل اول) تاختن آورده و در عالم جوانی و عین لذات نفسانی که سی و هفت سال از درجات زندگانی طی کرده و در مرحله سی و هشتم تخت سلطنت و کامرانیرا وداع کرده در منقو طای نام محلی از محال سراب

(آذربایجان) بعالم بقا خرامیده درروضه سلطان اولیا (شیخ صفی‌الدین اردبیلی) مدفون گردید (طاب مضجعه) موافق تاریخ آمد (خسرودین) نیز تاریخ وفات آن سلطان سلطان‌نشان است و دیگری ظل یافته و بدین طریق درسلك نظم کشیده :

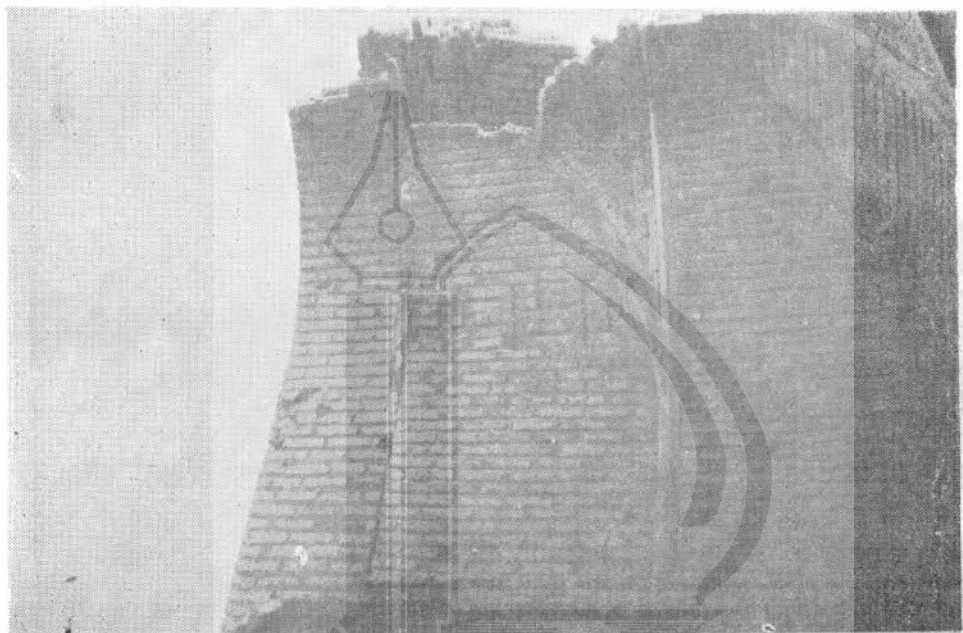


ضلع شمالی داخل رباط خشک‌رود واقع درکنار راه سابق ساوه به قزوین

شاه گرون پناه اسماعیل آنکه چون مهر در نقاب شده
از جهان رفت و ظل شدش تاریخ سایه تاریخ آفتاب شده

از آن حضرت چهار شاه‌زاده نامدار یادگار ماند و همگی در صفر سن بودند
په‌ماسب‌میرزا - بهرام‌میرزا - از صبیبه محترمه یکی از امراء موصو و ترکمان
(شاید دختر امیرخان موصو) متولد شده‌اند القاس میرزا و سام‌میرزا از خوانین
مختلفه و در اسامی صبیبه‌ها زیاده فایده نیست (یکی از صبیایای شاه اسماعیل
خانش‌بیگم است که منکوحه شاه نعمت‌الله یزدی بوده و دختر او را بازدواج شاه
اسماعیل دوم در آورده و در باغ شمال‌آباد تبریز جشن عروسی وی را برپا کرده‌اند

ویکی از صبایای شاه اسماعیل اول سلطانم نامیده میشده و همشیره شاه طهماسب اول بوده و در صفحه ۱۵۰ عالم آرا عبارت ذیل را در مورد اوقاف سلطانم اخیر که وقف بر چهارده معصوم قرار داده بوده میخوانیم:



در طرف چپ مدخل رباط خشک رودیاعلی مدد با آجر بطور برجسته نوشته شده

(میرکلان استرآبادی از سادات عظام استرآباد و اقوام علامه‌العلمائی میرفخرالدین سماکی بود در عالم فقه مهارت تمام داشت بغایت بذله‌گو و خوش طبع و متدین و متقی و پرهیزگار بود و بنهایت دوالت ذات اشرف شاه جنت‌مکان (شاه طهماسب) بتولیت محال و فقی چهارده معصوم علیهم السلام که شاهزاده مرحومه شاهزاده سلطانم همشیره اعیانیه آنحضرت وقف نموده تولیت بذات اشرف اقدس آنحضرت و بعد از او بهر یک از اولاد نامدارش که مسندنشین تخت شاهی و جالس سریر پادشاهی باشد تفویض نمود قیام داشت و بوفور دیانت و راستی موصوف بود).

چنین به نظر میرسد که در ابتدای سلطنت صفویه امراء موصلو در استحکام مبانی سلطنت شاه اسماعیل اول خدمات شایانی داشته و زحمات آنها مورد تقدیر سلطان وقت بوده و از امراء موصلو دختر گرفته و دختر به ازدواج آنها از سلسله صفویه در آورده اند مادر طهماسب سلطانم موصلو است و مادر سلطان محمد صفوی و شاه اسماعیل ثانی سلطانم مورد ذکر در این مختصر است. و عالم آرا در مورد امراء موصلو در صفحه ۱۳۹ بیانی دارد که برای روشن شدن مطالب راجع به امراء موصلو عین آن ذکر میشود:

(امیرخان موصلو نواده گلابی خان که امیرخان ماضی جد او بود. در زمان حضرت خاقان سلیمان شان (شاه اسماعیل مؤسس سلسله صفویه) از دیار بکر با خیل وحشم بدرگاه جهان پناه آمد و در چنگ شاهی بیک ازبک که در مرو واقع شد مردانگیها از او بظهور رسید و چندگاه امیرالامراء خراسان و لاله حضرت شاه جنت مکان (شاه طهماسب بود) و خود نیز امیر معتبر ذیشان بود و در حین رحلت شاه جنت مکان در خوار ری اقامت داشت. در زمان نواب اسکندرشان (سلطان محمد صفوی) امیرالامراء آذربایجان گشته شرف مصاهرت این دودمان یافت و محمدخان موصلو قوم امیرخان چندگاه حاکم سیستان بود و در حین رحلت حضرت جنت مکان از سیستان معزول شده در تربت خراسان (تربت جام یا تربت حیدریه) و توابع الگا داشت و در زمان جلوس نواب اسکندرشان (سلطان محمد صفوی) از ارکان دولت قاهره گردید.

با توجه بشرح حال امیرخان و محمدخان موصلو روشن میشود که شاه اسماعیل اول داماد امیرخان موصلو بوده است و به جهت این قرابت مدتی امیرخان لاله شاه طهماسب یعنی نواده دختری خود بوده و منکوحه محترمه شاه طهماسب سلطانم دختر یا خواهر موسی خان موصلو نیز از اقوام امیرخان است و نیز امیرخان مذکور داماد خاندان صفوی گردیده و این اتصال و یگانگی موجب خدمات بیدریغ موصلوها به دربار شاهان صفوی بوده است و همانا این نسبت سببی است که آنها را بدیگران نزدیک کرده است.

جمال و عیون و ایا و انوار و مظان و مدخل و حور
 و احوال و احوال و احوال و احوال و احوال و احوال
 هیچکس از این فیض و رحمت و سخاوت و بزرگواری
 نتواند و آنچه در کمال اعتقاد و معرفت و احسان
 بل گفتند که اگر خدا آنکه کلمات کفایت نکرده است و ضابطه و جمل
 بل گفتند که اگر خدا آنکه کلمات کفایت نکرده است و ضابطه و جمل
 غایب و باقی و در این عالم است که هر که از این عالم است
 شه فری و قطره افشاید چیزی است که در این عالم
 در این عالم است که هر که از این عالم است

فوائد و مسائل علمیه

نمن

<p>کدام است که در علم نجوم از کتب فخریه است ماده ۱۰۱</p>	<p>مستند است مستند است مستند است مستند است</p>
<p>کدام است که در علم نجوم مستند است</p>	<p>طریق میرزا علی بن میرزا حسن ده علم</p>
<p>کدام است که در علم نجوم مستند است</p>	<p>طریق میرزا حسن مستند است</p>
<p>کدام است که در علم نجوم مستند است</p>	<p>طریق میرزا حسن مستند است</p>
<p>کدام است که در علم نجوم مستند است</p>	<p>طریق میرزا حسن مستند است</p>
<p>کدام است که در علم نجوم مستند است</p>	<p>طریق میرزا حسن مستند است</p>

فوائد

فرمان طواقمنا

من

بمزان در طوار کوشه نتر است

میرزا ابوالحسن	میرزا ابوالحسن	میرزا ابوالحسن	میرزا ابوالحسن
میرزا ابوالحسن	میرزا ابوالحسن	میرزا ابوالحسن	میرزا ابوالحسن
میرزا ابوالحسن	میرزا ابوالحسن	میرزا ابوالحسن	میرزا ابوالحسن
میرزا ابوالحسن	میرزا ابوالحسن	میرزا ابوالحسن	میرزا ابوالحسن

موافق آیام ضبط

کوپه کارز	بنام خنبر	کوپه بنام ام
بنام اب	سرخوان	عام میرزا حسن
عام میرزا ابوالحسن	عام هور دجان	عام سرور حسن

تکات و جود دار و وضع محار

تکات و جود دار و وضع محار

فیض کار مغرب

عرب محار	عرب محار
عرب محار	عرب محار
عرب محار	عرب محار

دوات

در صفحه ۲۱۱ عالم آرا راجع به خواهرزاده سلطانم مورد بحث عبارت ذیل را می‌یابیم .

(مسیب خان شرف‌الدین تكلو خواهرزاده نواب سلطانم و خاله‌زاده نواب اسکندرشان (سلطان محمد صفوی) و اسماعیل میرزا (شاه اسماعیل ثانی) بوده است).

در پایان این مقال معروض می‌شود که سلطانم منکوحه شاهه هماسب که مادر سلطان محمد و شاه اسماعیل ثانی است و این توضیحات در مختصر حاضر در مورد وی نوشته شده چند سهم از قریه کفش‌گران را در اطراف شهر قم در سال ۹۹۹ قمری که قریب چهارصد سال است خریداری کرده که قبالة خرید را در اختیار دارم و بتجربه دیده شده غالب خاندانهای قدیمی دلبستگی چندان بحفظ وصیانت اسناد و بنجاقها و مکاتیب اسلاف خود ندارند و باین سبب بسیاری از مدارك قدیمه آنها که کمک به روشن شدن گوشه‌ای از تاریخ میکند از بین رفته است و به ندرت مدارکی از گذشته‌ها نزد بعضی خاندانها یافته میشود . دودمان نقبا سادات مشهد در عهد صفویه با شاهزاده خانهای صفوی وصات کار بوده‌اند . و دوفتر از نقبای مشهد (الغرضوی مباشر بنای مرقد خواجه ربیع بن خثیم و ابوصالح الرضوی بانی و واقف مدرسه صالحیه نواب و مصلاهی مشهد داماد ملاطین صفویه بوده‌اند) سند معامله سلطانم دو دنگ ونیم و یک طسوج کفشگران نزدیک میلاجرد (میلگرد) قم است که سلطانم از علی بیگ فرزند محمد بیگ امیر اخور قورغلو به مبالغه هیجده تومان تبریزی رایج فضی دو مثقالی تمام عیار مسکوک خریداری کرده است . خط قبالة نسخ جلی و شیوا است و کلمات و جملات محمد - نواب عالیة عالیة سلطانم - وبعد - بخرید - ان الله اصطفاک و طهرک و اصطفیک عالیة نساء العالمین - بفر وخت - و آن عبارت - بکفشگران - هیجده تومان تبریزی را با زر نوشته شده و اهمیت این سند علاوه بر قدمت و خط خوش و مضمون ادیبانه سند سجلات و اعترافات عامای مهم عهد صفوی است که در صدر و حاشیه این سند دیده میشود و برای

نمونه فقط یکی از اعترافات به قدری که خوانده میشود و متعلق به میر ابو الوالی -
 الأنجو الحسنی الحسینی صدر ممالک ایران است ذیلاً مینگاریم .
 (عرض عرضه و اعتراف البایع الطائع المسمی فیه من فیه بر مسه المعتری
 المسمی الیه لی المعمله ما من المبدأ الی المنتهی لدى الداعی لا بود السلطنه الباهره
 فی الایام والالیالی ابو الوالی الانجو الحسنی الحسینی (مهر بزرگ دایره ای ابو الوالی
 که عبارتش خوانا نیست و بعضی کلمه مندرجه در مهر پاره و ضایع شده است) .
 راجع به شرح حال میر ابو الوالی انجو در صفحه ۱۴۸ عالم آرا اطلاعات زیر را
 بدست میدهد .

(میر ابو الوالی - میر ابو المحمد ولدان میر شاه محمود انجو شیرازی اند . میر -
 ابو الوالی سید فاضل فقیه متعصب در تشیع بود و در فضائل و کمالات از برادرش
 در پیش و استحصالش در مسائل فقهی میان فقها از دیگران بیش بود و در اول حال
 بتولیت آستانه مبارکه سدره مرتبه رضویه مأمور گشته و مدتی بخدمت روضه
 متبر که قیام داشت و از آن مهم به جهت نزاعی که میان او و شاه ولی سلطان ذوالقدر
 حاکم مشهد مقدس واقع شده بود از تولیت سرکار فیض آثار معزول شده به اردوی
 معالی آمد و به شراکت برادر متولی اوقاف غازی شد (توجه فرمایند اوقاف
 غازان خان مغول تا عهد صفویه هنوز باقی بوده است) و در اواخر ایام شاه جنت مکان
 (شاه طهماسب) تولیت آستانه مقدسه صفویه (مقبره شیخ صفی الدین در اردبیل)
 به میر ابو الوالی تفویض یافته برادرش من حیث الانفراد متولی غزان (غازان) گشت و
 در زمان نواب اسکندرشان (سلطان محمد صفوی) منصب قضای معسکر ظفر اثر
 به جناب میر تعلق گرفت و در زمان جاوس همایون حضرت اعلی شاهی ظل الهی
 (شاه عباس کبیر) بمنصب صدارت ترقی کرده بدان امر خطیر مشغولی داشت) در
 صفحه ۳۲۷ عالم آرا در رفع اختلاف بین امراء تکاو و ترکمان سه نفر برای رسیدگی
 و رفع اختلافات مأمور میشوند که میر ابو الوالی انجو صدر قاضی عسکر و سید بیگ
 کمونه و شاه قلی خلفای رومو و رفع اختلاف مینمایند) و در صفحه ۳۸۵ عالم آرا

می‌نویسد (در ابتدای سلطنت شاه‌عباس به‌سعی میرزا شاه‌ولی ولد میرزا احمد نواده میرزا عطاء‌الله اصفهانی منصب صدارت مجدداً به‌میرابوالولی انجو تفویض شد).

در سند خرید سلطانم سجلات علما بازم وجود دارد که از ذکر آنها صرف‌نظر شد و فروشنده کفشگران در ذیل سند شرحی نوشته به‌خط خود و عبارتش اینست (براین موجب فروختن و بیع شرعی کردم و تمامی ثمن را گرفتم و اسقاط جمیع خیارات خصوص خیار غبن فاحش کردم و ضامن درک شرعی شده العبد علی ابن مرحوم محمدبیک بن احمد قورغاو) (مهر چهارگوش غلام شاه‌علی بن محمد).

عالمين عليا حضرت عفيف وعصمت سلطنت كا خطير كماله
سليمه

نزهت سنا كه يورق آفتاب با عدل ان بانو انصاف خلدت الدنيا
صطفيت على ذالك الملك
طريف بالحوادث املا

الفاتح المزمع في نال الله صطفى و

الاطمان العظيم نال الدنيا الفخر لولا فضل العفاف المكرم
عليه

والفضل لا يغني عن الصلوات والصدقات
اللهم انزل في بطون النبي
الصلوات

عصاة السما والارض والارض والارض
ظلال

والعظمة اعلمت العظمة والاطمان الامم والتمكين

معارف الجبروت والنفوس النورية والنفوس النورية

على يد الجبروت والنفوس النورية والنفوس النورية

وحيطت فلك الارض وروى ما في الارض والارض

نامي وروايات في كسب الخلق والخلق والخلق

كذلك في روضه الوجود والوجود والوجود

بسم الله الرحمن الرحيم

مولى الله الفياض العالمة والاضواء جمال وشوهره والجلال

عاجل
الجلال

العلم والحب والبر والحق والعدل والعدل والعدل والعدل

عاجل
الجلال

رجال وعلمه عيون وآيات وفهمه وفنونه وحكمته ونوره وكرمه ورحمته



عاجل
الجلال

والاحسان والهدى والبر والعدل والعدل والعدل والعدل والعدل

عاجل
الجلال

هيجل كقولك ما اشرفه رفق ونوره وسنانه عظيمه وسنانه عظيمه

عاجل
الجلال

نقله والبر والعدل والعدل والعدل والعدل والعدل والعدل

عاجل
الجلال

بل الغفران والبر والعدل والعدل والعدل والعدل والعدل والعدل

عاجل
الجلال

البر والعدل والعدل والعدل والعدل والعدل والعدل والعدل



عاجل
الجلال

البر والعدل والعدل والعدل والعدل والعدل والعدل والعدل

عاجل
الجلال

البر والعدل والعدل والعدل والعدل والعدل والعدل والعدل

عاجل
الجلال

البر والعدل والعدل والعدل والعدل والعدل والعدل والعدل



عاجل
الجلال

البر والعدل والعدل والعدل والعدل والعدل والعدل والعدل

للمنفعة والبر والعدل والعدل والعدل والعدل والعدل والعدل
عاجل
الجلال